

نوآوری‌های رجالی محقق اردبیلی در جامع الرواة

ابوطالب علی نژاد*

چکیده

حدیث، گزارش‌کننده سنت نبوی و ولوی است و بر پایه‌ای محکم و متین به نام سند استوار است. نقل حدیث همراه با سند مورد تأکید و توصیه معصومان علیهم‌السلام بوده است. یکی از طرق ارزشیابی حدیث، ارزیابی سند و راویان آن است. بدین سبب علمی به نام «علم رجال» تأسیس و ده‌ها اثر رجالی تدوین شده است. در میان کتب رجالی، کتاب جامع الرواة از موقعیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و دارای امتیازات مهم و سودمندی است. مؤلف اندیشور آن با مجاهدت علمی و تلاش بیست ساله خویش توانسته است تحولی در شناخت راویان و شیوه نقد سند به وجود آورد و روش نوینی را ابداع کند که در میان پیشینیان سابقه نداشته است. ایشان با این روش ابتکاری، توانسته است به آسیب‌شناسی اسناد روایات کتب اربعه حدیثی شیعه بپردازد و به نتایج بسیار مهم و ارزشمندی در شناخت راویان و اسناد دست یابد؛ از جمله شناسایی تصحیف در نام راویان مانند تصحیف «حسین» به «حسن» و برعکس، شناسایی تصحیف در الفاظ تحدیث مانند تصحیف «عن» به «بن» و برعکس، تمییز راویان مشترک مانند تمییز «احمد بن محمد» که مشترک بین تعدادی از راویان از جمله «احمد بن محمد بن عیسی اشعری»، «احمد بن محمد بن خالد برقی»، «احمد بن محمد بن ابی نصر بزنجلی» است، شناخت مترادفات راوی و یکسان‌سازی عناوین متعدد مانند ثابت بن دینار، ثابت بن ابی صفیه، ابوحمره ثمالی، الثمالی که همه آن‌ها یک شخص می‌باشند، شناخت تعلیق در اسناد، شناخت افتادگی در اسناد این مقاله به تبیین و توضیح منهج جدید و روش ابتکاری محقق اردبیلی و نتایج به‌دست‌آمده آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: جامع الرواة، محقق اردبیلی، سند، تصحیف، ارسال، طبقه‌بندی، راویان مشترک، توحید مختلفات.

۱. مقدمه

روش رایج در میان فقیهان در شناخت راویان، رجوع به کتب رجالی قدما مانند رجال کشی از محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی (قرن سوم)، رجال نجاشی از احمد بن علی بن... عبدالله النجاشی (م ۴۵۰ق)، فهرست و رجال شیخ طوسی از محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) بوده است ولی عوامل چندی موجب گردید تا حدیث پژوهان و دانشمندان دانش رجال به روش‌های جدیدی در بررسی اسناد راویان روی بیاورند و راویان را از منظر دیگر و با اسلوب و روش بهتری مورد تحلیل و ارزیابی قرار بدهند؛ از جمله:

الف. کتب رجالی قدما که از آن‌ها به اصول اولیه دانش رجال یا چهار کتاب اصلی رجال شیعه یاد می‌شود، با همه عظمت و اهمیتی که داشتند، نمی‌توانست به نیازها و پرسش‌های واقعی یک فقیه و مستنبط احکام در همه شئون مربوط به راویان حدیث پاسخ دهد؛ زیرا اگرچه اصول رجالیه قدما، اطلاعات نسبتاً دقیقی از وثاقت و عدم وثاقت راوی، طبقه، حسب و نسب آنان، آثار و تألیفاتی که داشتند ارائه دادند، این منابع نمی‌توانست نسبت به حالات خاص روات که نقش تأثیرگذار در تحلیل اسانید و فهم احادیث دارد؛ از قبیل مرتبه ضبط و اتقان راوی، مقدار و حجم روایات راوی، گونه‌های روایات راوی، مشایخ و تلامیذ راوی، تخصص راوی، فضل و کمال راوی در فهم حدیث و... که اطلاع از آن‌ها برای یک فقیه لازم و ضروری است پاسخ‌گو باشد، و نیاز فقیه را برطرف کند.

ب. گذشت زمان و استنساخ کتب حدیثی و روایی، موجب پیدایش و راهیابی برخی آسیب‌ها در اسانید روایات شده است؛ از جمله تصحیف در اسامی راویان از قبیل تصحیف «احمد» به «محمد»، «حسن» به «حسین» و مانند آن، تصحیف در الفاظ تحدیث مانند تصحیف «عن» به «بن» و برعکس آن، تصحیف «واو» به «عن» و برعکس آن، وقوع سقط و افتادگی در زنجیره سند، قلب و جابه‌جایی در نام راویان مانند تبدیل «محمد بن حسین» به «حسین بن محمد»، «احمد بن محمد» به «محمد بن احمد» و مانند آن.

ج. یکی از امور مهم و تأثیرگذار در شناخت راویان و تصحیح اسانید، تفکیک و

جداسازی راویان همگون (تمییز مشترکات) و اتحاد و عدم اتحاد دو عنوان یا بیشتر با یکدیگر (توحید مختلفات) است که نمونه‌های آن را فراوان می‌توان در اسناد روایات ملاحظه کرد.

بسیار روشن است که تنها با مراجعه به کتب رجالی قدما و بسنده کردن به گفته‌های رجالیون گذشته، نمی‌توان به این تصحیفات پی برد و یا حلقه‌های مفقوده را شناسایی کرد و مشکلات اسناد روایات از جهت تمییز مشترکات و توحید مختلفات را حل نمود؛ از این رو احساس می‌شد که باید از روش و منهج دیگری برای حل این معضلات سندی بهره جست.

اولین شخصیتی که به موضوع فوق پرداخت و جرقه آن در ذهنش زده شد، عالم متبّع، محقق بصیر، شیخ محمد بن علی اردبیلی صاحب کتاب جامع الرواة بوده است. روش ایشان در شناخت اسناد و راویان، صددرصد ابتکاری بوده و هیچ سابقه‌ای در میان پیشینیان نداشته است. در این مقاله، با تکیه بر کتاب جامع الرواة، شیوه ابتکاری و جدید ایشان در شناخت راویان و حل معضلات سندی مورد تحلیل و بازخوانی قرار گرفته است.

۲. محقق اردبیلی کیست؟

نویسنده کتاب جامع الرواة^۲، محمد بن علی اردبیلی است. درباره زندگی و فعالیت‌های علمی وی، آگاهی‌های اندکی موجود است و همان نیز بیشتر بر اساس اطلاعاتی است که در اجازه علامه مجلسی به وی آمده و یا در مطالبی است که توسط آقا رضی قزوینی بر ظهر نسخه جامع الرواة مندرج است.

بدان جهت در کتب تراجم و شرح حال‌نگاری^۳ گزارش چندانی از شرح حال این عالم فرزانه و رجالی بزرگ ارائه نشده است. حتی تاریخ ولادت و وفات ایشان به‌طور دقیق مشخص نیست.^۴ اطلاعات موجود نشان می‌دهد که اصل وی از اردبیل بوده، ولی برای تحصیل به نجف و کربلا هجرت نمود و مدتی را در آنجا اقامت داشت و از محضر بزرگان حوزه کهن نجف در علوم رایج مانند فقه، اصول، حدیث و رجال استفاده کرد. سپس به اصفهان برگشت^۵ و در همان‌جا کار تألیف جامع الرواة را آغاز کرد که بیش از دو دهه از عمر شریفش را به خود اختصاص داده است و پس از پایان

گرفتن تألیف کتاب از اصفهان به کربلا رفت و چند ماه بعد در کربلا درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. ایشان غیر از جامع الرواة دارای دو اثر دیگر رجالی با عنوان تصحیح الاسانید^۶ و ملخص تصحیح الاسانید^۷ نیز بوده است

۳. عظمت کار علمی اردبیلی از نگاه اندیشوران

روش نو و جدید محقق اردبیلی در تصحیح اسناد و شناخت راویان موجب تحسین و تقدیر همه فقها، حدیث پژوهان و رجالیون بعدی قرار گرفت و هر کدام با تعبیرات بلندی به مدح و ستایش او پرداخته و به عظمت کار علمی ایشان اعتراف کردند.

- محدث نوری: مرد این میدان بوده و کتابش در نوع خودش بی نظیر است.^۸ نوری،

۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۸۱۸)

- محدث قمی: شیخ، عالم، فاضل، کامل، متبحر، خبیر، محمد بن علی اردبیلی، این کتاب را در مدت بیست سال جمع کرده و کتابی پرفایده و بی نظیر است. (قمی،

۱۴۲۰ق، ص ۲۳۶)

- علامه سید محسن جبل عاملی: کتابی مانند جامع الرواة تألیف نشده است.^۹ (امین،

۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۴۴۲)

علامه شوشتری رجالی کم نظیر: از جامع الرواة خیلی استفاده بردم، مؤلف می گوید: بیست سال زحمت کشیده ام و هر کسی را از کتب اربعه عنوان می کند می گوید راوی و مروی عنه کیست تا به حال هیچ کس مثل او زحمت نکشیده است. من کار به اجتهادش ندارم یک جا اگر می بیند که راوی و مروی عنه یکی است، می گوید که اصلشان یکی است. برای مثال می گوید: شصت نفر بوده اند که این شصت نفر همه از زاره و زاره هم از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده. یک اجتهاداتی اینطوری دارد ولی انصافاً در این جامع الرواة خیلی زحمت کشیده است. (کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۱، فروردین

۱۳۶۴، ص ۸۷)

فقیه نام آور شیعه، حضرت آیت الله بروجردی که در شناخت راویان و ارزیابی اسناد کم نظیر بوده و ید طولایی در این زمینه داشته، و منهج جدید و سبک نوینی را ابداع کرده بود، وقتی برای اولین بار دسترسی به کتاب جامع الرواة پیدا می کند و با مطالعه آن در جریان تلاش علمی مؤلفش قرار می گیرد، بسیار شگفت زده می شود و با نوشتن

مقدمه محققانه و بسیار سودمند بر کتاب جامع الرواة، به معرفی کتاب و تبیین منهج علمی مؤلف می‌پردازد و برای اینکه فضلا و محققان بتوانند از این کتاب پرفایده استفاده کنند، به چاپ آن اقدام می‌کند.

ایشان در مقدمه کتاب جامع الرواة نوشته است: «امتیاز مهم و ارزشمندی که موجب قدردانی ما از ایشان گردید، همانا به خاطر تألیف کتاب جامع الرواة بوده است؛ زیرا در این کتاب تمام راویان احادیث کتب اربعه (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام، الاستبصار) جمع‌آوری شده و نام تمام کسانی که از راوی روایت کرده‌اند، و یا ایشان از آن‌ها روایت کرده ذکر شده است، و نیز مقدار روایات هر راوی را معین و مشخص نموده و از این طریق توانسته است بعضی از نقایص و نارسایی‌های کتب رجالی موجود را برطرف کند. و من زمانی که در شهر بروجرد بودم در ضمن بحث‌هایی که داشتم، برای شناخت اسناد روایات به کتب رجال، فهرست و مشترکات که توسط علمای ما نوشته شده است رجوع می‌کردم.

هنگام مراجعه متوجه یک سری نواقص و کمبودهای آن‌ها شدم، همان گونه که مرحوم اردبیلی به آن نواقص پی برده بود. ولکن من برای آن نواقص از شیوه و روش دیگری غیر از آنچه ایشان انتخاب کرده استفاده کردم که ممکن است در این روش ما، اموری یافت شود که در روش مرحوم اردبیلی وجود نداشته باشد.^{۱۰} پس از مهاجرت و سکونت در قم، بعد از گذشت دو سال، روزی به نسخه‌ای از کتاب جامع الرواة دست یافتم و با مطالعه آن متوجه شدم که مؤلف آن چقدر برای تألیف این کتاب زحمت کشیده و رنج برده و کار علمی ایشان به نظرم بسیار بزرگ جلوه کرده است، بدان جهت از بعض متمکین و متمولین درخواست کردم که برای چاپ و طبع آن اقدام نمایند تا محصلین و طلاب علوم دینی از آن استفاده نمایند؛ زیرا نسخه کتاب تنها در کتابخانه‌ها یافت می‌شد و دسترسی به آن برای طلاب میسر و ممکن نبود.^{۱۱}

در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی آمده است: تاریخچه تألیفات رجال‌شناسی نشان می‌دهد که پس از عصر شیخ طوسی و نجاشی کتاب‌های معالم العلماء ابن شهر آشوب و خلاصة الاقوال علامه حلی کمک اندکی به علم رجال امامی کردند و از آن پس گرچه رجال کبیر استرآبادی (منهج المقال) و نیز نقد الرجال تفرشی نوشته شد، هیچ

کدام به اندازه جامع الرواة مرجع فقها نبودند، پس از عصر اردبیلی کتاب‌های گوناگونی در علم رجال نوشته شد (چون تنقیح المقال مامقانی) اما در عصر اخیر، تحقیقات شوشتری در قاموس الرجال و نیز خویی در معجم رجال الحدیث بسیاری از کمبودها را در رجال‌شناسی امامیه برطرف ساخت. این دو تن در تحقیقات خود نمی‌توانستند از تدقیقات اردبیلی بی‌بهره باشند به‌ویژه خویی که در معجم خود، راه اردبیلی را به گونه‌ای دقیق‌تر و عمیق‌تر دنبال کرد و از این رو شاید تحقیقات رجالی را در عصر اخیر از جامع الرواة بی‌نیاز ساخت.^{۱۲} (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۸۳ و ۲۸۴)

۴. انگیزه تألیف

کتاب جامع الرواة از کتاب‌های بسیار ارزشمند و کم‌نظیر در حوزه دانش رجال به حساب می‌آید و نشانگر تتبع، دقت، اخلاص بالا، تلاش و خستگی‌ناپذیری مؤلف فرزانه آن در خلق این اثر بدیع و جاودان است.

مؤلف درباره انگیزه خویش از تألیف این کتاب نوشته است: «در بهره‌گیری از اخبار و احادیث ائمه طاهرین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، سعی و تلاشم بر این بوده است تا با بصیرت و نظر دقیق به طرق و اسانید روایات برخورد کنم و صحت و ضعف سند، معلوم و مجهول بودن راوی، حسن یا موثق بودن آن‌ها را مشخص بنمایم ولی این مطلب اقصی و مقصد اعلی به آسانی در همه‌جا قابل پیاده شدن نبود و با مشکل اساسی مواجه و روبه‌رو می‌شدم؛ زیرا اولاً در بسیاری از اسانید و طرق، راویان به صورت مطلق و بدون هیچ پسوندی ذکر شده‌اند و ثانیاً در ضبط اسامی راویان نسخه‌ها با یکدیگر اختلاف داشتند که در این صورت به نظر حقیر و بسیاری از علما و فقها داخل در قسم احادیث مجهول می‌شدند و از اعتبار ساقط می‌گشتند، و بر این اساس این قسم از احادیث نمی‌توانستند مستند یک حکم شرعی قرار بگیرند و در استنباط احکام الهی به آن‌ها استدلال کرد.

و از آنجا که تعداد این دست احادیث فراوان بوده است، برای من خیلی نگران‌کننده بود و همیشه فکرم را مشغول و دنبال راه‌حل صحیح می‌گشتم تا بتوانم این معضل را برطرف و در نتیجه راهی برای تصحیح اسانید پیدا کنم. و لذا متضرعانه به درگاه فیاض

علی الاطلاق پناه می‌بردم و با تضرع و زاری از خداوند کریم استمداد می‌طلبیدم که با لطف و کرم خویش، گره از کارم بگشاید و این مشکل را از سر راهم بردارد تا اینکه بعد از مدت‌ها تفکر و مطالعه و اندیشیدن، فضل الهی شامل حالم گردید و به ذهن حقیر رسید که از ملاحظهٔ راوی و مروی‌عنه بتوان شخص مورد نظر را شناسایی نموده و در نتیجه حال و وضع سند را مشخص کرد.» (نک: اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، مقدمه مؤلف)

بنابراین انگیزه و هدف اصلی مؤلف از تألیف کتاب، شناسایی مشکلات موجود در اسناد و طرق مانند توحید مختلفات، تمییز مشترکات، تصحیف در اسامی راویان، سقط و افتادگی در زنجیرهٔ سند و ارائهٔ راه‌حل‌های مناسب علمی برای تصحیح احادیث بوده است تا فقیه و مستنبط احکام الهی با اطمینان بیشتر به سراغ این احادیث رفته و آن‌ها را مستند حکم شرعی قرار بدهد.

ایشان در رسیدن به این هدف عالی و مقدس، علاوه بر تلاش و کوشش علمی، همواره از خداوند تبارک و تعالی استمداد می‌جسته و یاری می‌طلبیده است، تا اینکه سرانجام توانسته بر مشکلات فائق آمده و اثر ماندگاری را از خودش بر جای گذارد.

۵. ابتکار و نوآوری

محقق اردبیلی با تألیف کتاب *جامع الرواة*، علم رجال را وارد مرحلهٔ جدیدی کرد و غنای ویژه‌ای به آن بخشید؛ زیرا ابتکار جدیدی را در شناخت راویان و تصحیح اسناد به وجود آورد که در میان پیشینیان سابقه نداشته است تا جایی که توانسته با این منهج بدیع و روش نو، وضعیت بیش از دوازده هزار حدیث را که دارای سرنوشت نامعلومی بودند روشن بسازد و آن‌ها را از ابهام بیرون آورد^{۱۳} و در نتیجه خدمت بزرگی به حدیث و فقها و محدثان نماید.

ایشان در توضیح شیوهٔ ابتکاری و جدید خود می‌نویسد: «برای شناسایی همهٔ راویان حدیث و اطلاع کامل از شاگردان و استادان (راوی و مروی‌عنه) آن‌ها نمی‌توان تنها به کتب رجالی پیشینیان بسنده کرد، چراکه علمای رجال اسامی همهٔ روات و مشایخ و تلامیذ آن‌ها را در یکجا ضبط و ثبت نکرده‌اند بلکه چه بسا در ذیل ترجمهٔ بعضی از راویان دیگر، متعرض آن‌ها گشته و اشاره کرده باشند که این شخص از چه

کسانی روایت می‌نماید و چه افرادی از او نقل حدیث می‌کنند و ما از آن بی‌اطلاع باشیم. از این رو نیاز داشتیم به شیوه جدید روی بیاوریم تا بتوانیم این مشکل را حل کنیم. برای رسیدن به این هدف (شناخت همه راویان و استادان و شاگردان آنها) تصمیم گرفتیم مستقیم به سراغ اسانید و طرق بروم تا اولاً اسامی تمام راویان را شناسایی و استخراج بنمایم و ثانیاً استادان و شاگردان آنها را مشخص نمایم. در این راستا محور کارم را مراجعه به کتب اربعه حدیثی شیعه (کافی تألیف محمد بن یعقوب کلینی، من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق، تهذیب الاحکام شیخ طوسی و الاستبصار فیما اختلف من الاخبار از همین نویسنده)، کتب فهارس (فهرست نجاشی، شیخ طوسی و شیخ منتخب‌الدین) و کتب مشیخه (مشیخه شیخ صدوق و شیخ طوسی) قرار دادم و شروع کردم اولاً به استخراج، ثبت و ضبط اسامی راویان و فهرست نمودن آنها و ثانیاً مشخص کردن تمام شاگردان و استادان راوی. با این شیوه جدید توانستم به نتایج خوبی برسم و به مقصود خویش نائل گردم. (نک: جامع الرواة، ج ۱، مقدمه مؤلف)

منهج جدید و روش ابتکاری محقق اردبیلی در تصحیح اسانید و شناخت راویان را می‌توان در چند مرحله خلاصه کرد:

مرحله اول: مراجعه به اسناد روایات کتب اربعه حدیثی شیعه

شیوه مؤلفان مشایخ ثلاثه (کلینی، صدوق و طوسی) در نگارش کتب اربعه، نقل حدیث با سند بوده است.^{۱۴} با مراجعه به اسناد روایات این کتب، اسامی کسانی که در زنجیره نقل حدیث قرار گرفته‌اند، قابل شناسایی و استخراج است.

مرحله دوم: مراجعه مستقیم به طرق با محوریت فهرست نجاشی و شیخ طوسی

موضوع رجال شیخ طوسی و نجاشی، یاد کردن راویانی است که دارای اثر علمی بودند و بعد از معرفی آثار آنان، طریق خودشان را به آن آثار یادآوری می‌کنند تا صحت انتساب کتاب به مؤلف روشن شود. با مراجعه به این طرق می‌توان اسامی کسانی را که در زنجیره طریق نجاشی و شیخ قرار گرفته‌اند، شناسایی کرد.

مرحله سوم: مراجعه مستقیم به مشیخه شیخ صدوق و شیخ طوسی

شیخ طوسی و شیخ صدوق برای رعایت اختصار به حذف اوایل سند روایت پرداختند و لکن برای دفع توهم ارسال روایت تحت یک قاعده و ضابطه، آن

واسطه‌های حذف‌شده را در آخر کتاب ذکر نمودند که از آن تعبیر به «مشیخه» می‌شود. با مراجعه به مشیخه، واسطه‌های حذف‌شده شناسایی و اسامی آن‌ها مشخص می‌گردد.

مرحله چهارم: استخراج اسامی راویان

در این مرحله، همه کسانی که در سند روایت یا در طریق و یا در مشیخه، نام آن‌ها ذکر شده و به‌عنوان واسطه در نقل از آن‌ها یاد شده است، استخراج و اسامی آن‌ها ثبت و ضبط گردیده است و از این طریق هزاران راوی شناسایی شدند که تعداد زیادی از آن‌ها در کتب رجالی قدما نامشان وجود ندارد. بنابراین اگر قرار بود تنها به کتب رجالی بسنده شود، از بسیاری از راویان بی‌خبر و بی‌اطلاع بودیم، درحالی‌که در این روش جدید که محقق اردبیلی ابداع نمود، ده‌ها بلکه صدها راوی جدید شناسایی شده‌اند.

مرحله پنجم: تنظیم و مرتب‌سازی اسامی راویان

در این مرحله، هزاران راوی استخراج‌شده بر اساس حروف تهجی (الفبایی) مرتب و منظم می‌گردید و برای هرکدام یک پرونده و شناسنامه‌ی روایی تشکیل یافته است.

۶. نتایج و دستاوردها

محقق اردبیلی در این روش جدید و ابتکاری که توضیح آن گذشت، توانست به نتایج بسیار مهمی دست پیدا کند که تا زمان وی کسی به آن‌ها دست پیدا نکرده است؛ از جمله: شناخت مقدار روایت راوی در کتب اربعه؛ شناخت استادان و شاگردان راوی؛ شناخت تصحیفات سند؛ شناخت سقط و افتادگی در سند؛ تفکیک و جداسازی راویان مشترک؛ شناخت مقلوب بودن سند؛ شناخت مترادفات راوی؛ شناخت وثاقت و ضبط راوی؛ رشته تخصصی راوی؛ اصلاح و بازسازی دوازده هزار روایت.

برخی از این نتایج در مقدمه کتاب *جامع الرواة* و برخی دیگر آن در لابه‌لای کتاب به مناسبت‌های گوناگون توسط مؤلف اشاره شده است که به ده مورد آن همراه با ذکر مثال اشاره می‌شود.

۶-۱. شناسایی راویان از معصوم علیه السلام

الف. راویانی که اسامی آن‌ها در کتاب‌های رجالی نیامده و یا رجالیون متذکر روایت آن‌ها از معصوم علیه السلام نشده‌اند، در این روش جدید شناسایی شده‌اند.^{۱۵} مثلاً حسن بن عاصم از امام صادق^{۱۶} و امام کاظم علیه السلام^{۱۷} روایت کرده درحالی‌که در کتب رجالی قدما

نه از این شخص نام برده شده و نه به روایتش از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام اشاره شده است.

ب. روایانی که از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده شده‌اند ولی در این روش جدید مشخص شد که از امام کاظم علیه السلام نیز نقل روایت می‌کند.^{۱۸}

نجاشی در ترجمه حریز بن عبدالله نوشته است: یونس بن عبدالرحمن گفته، حریز از امام صادق علیه السلام به جز دو حدیث، حدیث دیگری نشنیده است و بعضی گفته‌اند که حریز از امام کاظم علیه السلام روایت کرده ولی ثابت نشده است. (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۵، ش ۳۷۵)^{۱۹}

محقق اردبیلی در این روش جدید، خلاف دیدگاه یونس و نجاشی نتیجه گرفت و روشن نمود که اولاً «حریز» بیش از دو روایت از امام صادق علیه السلام دارد و ثانیاً از امام کاظم علیه السلام نیز روایت کرده است. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۸۶)^{۲۰}

ج. روایانی که رجالیون تصریح به عدم روایت آن‌ها از معصوم علیه السلام کردند ولی مشخص شد که از معصوم علیه السلام روایت دارند. (همان، ج ۱، ص ۴) مانند «عبدالله بن مسکان» که کشی درباره‌اش نوشته است: از امام صادق علیه السلام به جز حدیث «من ادرك المشعر فقد ادرك الحج» حدیث دیگری نشنیده است. (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۸۰، ش ۷۱۶)

و نجاشی نوشته است: «اینکه بعضی‌ها گفته‌اند که وی از امام صادق علیه السلام روایت نموده، مطلب درستی نیست.» (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۱۴، رقم ۵۵۹) درحالی که محقق اردبیلی در این روش جدید به دست آورده است که عبدالله بن مسکان فراوان از امام صادق علیه السلام در کتب اربعه روایت دارد^{۲۱} (حدود ۳۵ مورد). (موسوی خویی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۳۲۸)

۲-۶. شناسایی ارسال سند

از نتایج و ثمرات کار علمی محقق اردبیلی این بوده که توانسته با روش جدید خودش، برخی از احادیث مرسل را شناسایی کند.

در ترجمه جمیل بن صالح حدیثی را از تهذیب الاحکام نقل کرده که در سند آن آمده است: «... سعد بن عبدالله، عن جمیل بن صالح.» (طوسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۳،

ح ۳۲۹

محقق اردبیلی حکم به ارسال سند نموده و می‌نویسد: روایت سعد بن عبدالله از جمیل بن صالح مرسل است؛ زیرا فاصله زمانی بین این دو بسیار زیاد است. (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۶۷) زیرا سعد بن عبدالله در سال ۲۹۹ و یا ۳۰۱ وفات یافته است (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۸، ش ۴۶۷) و جمیل بن صالح از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت می‌کند. (همان، ص ۱۲۷، ش ۳۲۹)

۳-۶. شناسایی تصحیفات سند

یکی از آسیب‌های سند حدیث، وقوع تصحیف در اسامی راویان است که در برخی موارد موجب اختلال سند و در نتیجه ضعف حدیث می‌شود. شهید ثانی می‌نویسد: تصحیف گاه در متن حدیث است و گاه در سند حدیث، تصحیف در سند مانند تصحیف «مزاحم» به «مراحم»، تصحیف «حریز» به «جریر»، «برید» به «یزید». (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۹)

از جمله نتایج و فواید کار محقق اردبیلی این بوده است که توانسته از جمع‌آوری راویان و طبقه‌بندی آن‌ها، مقایسه اسانید با یکدیگر و ملاحظه مشایخ و تلامیذ راوی، مصحف بودن سند یا نام راویان را شناسایی کند.

کلینی روایتی را در کافی نقل کرده که در سند آن آمده است: «... علی بن الحکم عن اسماعیل بن ابی الصباح» (۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۲۴۲، ح ۷) ولی همین روایت را شیخ طوسی در تهذیب و شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه نقل کرده‌اند که در سند آن به جای «اسماعیل بن ابی الصباح»، «اسماعیل بن الصباح» (طوسی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۲۲۱، ح ۹۶۸، باب الاجارات؛ ابن بابویه، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۳۹۱۸) ثبت شده است.

محقق اردبیلی بعد از یادآوری اختلاف مذکور نوشته است: هر دو عنوان اشتباه است و صحیح آن «اسماعیل، عن ابی الصباح» می‌باشد و مراد از ابوالصباح ابراهیم بن نعیم العبدی، ابوالصباح الکنانی است.^{۲۲}

۴-۶. شناسایی راویان مشترک

یکی دیگر از معضلات اسانید، وجود راویان مشترک^{۲۳} در زنجیره سند روایت است.

شناسایی این دست از روایان در صورتی که یکی از آن‌ها ثقه و دیگری ضعیف باشد، لازم و ضروری است. محقق اردبیلی برای تمیز و جداسازی روایان مشترک تلاش وسیع و سعی بلیغ نموده و توانسته است به نتایج خوبی برسد.

ایشان در مقدمه کتاب می‌نویسد: «در اسماء مشترکه مانند محمد بن عبدالله و محمد بن علی در حد توان سعی وافری انجام گرفته است تا قرینه‌ای بر ترجیح یکی از آن‌ها پیدا کنیم و سپس راوی (شاگرد) هریک در ذیل همان عنوان نوشته گردد.»^{۲۴}

روش علمی محقق اردبیلی در شناسایی روایان مشترک، ملاحظه استادان و شاگردان بوده است که از آن به «اتحاد راوی و مروی‌عنه» به‌عنوان یک قرینه در تمیز مشترکات تعبیر می‌شود.^{۲۵} مثلاً عنوان «احمد بن محمد» مشترک بین تعدادی از روایان است؛ از جمله احمد بن محمد بن عیسی الاشعری، احمد بن محمد بن خالد البرقی، احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی.

محقق اردبیلی با ملاحظه راوی (شاگرد) و مروی‌عنه (استاد) مشخص کرده است که مراد از احمد بن محمد، در کدام سند احمد بن محمد بن ابی نصر و در کدام سند، احمد بن محمد بن خالد و در کدام سند، احمد بن محمد بن عیسی است.

۵.۶. شناسایی سقط در سند

از جمله آفت‌های سند، ساقط شدن برخی از روایان و یا حذف بعضی از حروف مانند «عن»، «بن»، «واو» از زنجیره سند است که این امر موجب اختلال در سند و در نتیجه بی‌اعتباری حدیث می‌گردد بدان سبب شناسایی آن‌ها برای یک دانشمند رجالی و حدیث‌پژوه، لازم و ضروری است. از نتایج کار علمی محقق اردبیلی این بوده است که به آسیب‌های فوق پی ببرد و آن‌ها را شناسایی کند.

در ترجمه جعفر بن ابراهیم بن محمد الهمدانی روایتی را از تهذیب الاحکام نقل کرده که در سند آن آمده است: «محمد بن احمد، عن جعفر بن محمد الهمدانی» (طوسی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۳۴، ح ۱۰۵۱، باب الزیادات من کتاب الصوم) محقق اردبیلی معتقد است که در این سند، عبارت «ابراهیم بن» سقط شده و صحیح آن: «محمد بن احمد» عن «جعفر بن ابراهیم بن» محمد الهمدانی است به قرینه آنکه همین خبر با همین سند در جای دیگر نقل شده و در سند آن جعفر بن

ابراهیم بن محمد الهمدانی ذکر شده است.^{۲۶}

و یا در ترجمه جمیل بن دراج، روایتی را از تهذیب با این سند نقل کرده است: «... السندی بن الربیع، عن علی بن احمد بن ابی نصر، عن أبیه، عن حمیل.» (همان، ج ۳، ص ۳۲۹، ح ۱۰۳۱، باب الصلاة علی الاموات)

محقق اردبیلی اعتقاد دارد لفظ «محمد بن» از سند افتاده، و صحیح آن «علی بن احمد بن محمد بن ابی نصر» است به دلیل اتحاد خبر (چون همین خبر در جای دیگر با عبارت علی بن احمد بن محمد بن ابی نصر نقل شده است) و کثرت روایت احمد بن محمد بن ابی نصر از جمیل بن دراج.^{۲۷}

۶-۶. شناسایی مقلوب بودن سند

گاه اتفاق می افتد که در سند حدیث جابه جایی صورت می پذیرد و اسم راویان پس و پیش می شود که از آن تعبیر به قلب در سند می کنند مانند قلب «محمد بن علی» به «علی بن محمد»، قلب «حسین بن محمد» به «محمد بن حسین» و مانند آن در روش علمی محقق اردبیلی مقلوب بودن بعضی از اسانید نیز شناسایی شده است.

در ترجمه اسمعیل بن عبدالخالق روایتی از تهذیب نقل شده که در سند آن آمده است: «... احمد بن محمد النهدی، عن محمد بن خالد، عن اسماعیل بن عبدالخالق.» (همان، ج ۷، ص ۵۸، ح ۲۴۹، باب بیع النقد والنسیئه)

محقق اردبیلی عقیده دارد سند تهذیب اشتباه است و صحیح آن محمد بن احمد النهدی می باشد که در کافی نقل شده است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۱۹۸، ح ۵، باب المرابحة) به قرینه اتحاد دو خبر.^{۲۸}

۶-۷. شناسایی اختلاف نسخه‌ها و تصحیح آن

در میان پیشینیان، استنساخ کتب حدیثی بسیار رایج بوده است و همین امر موجب وقوع اشتباهات فراوان در ضبط اسامی روایان می شده است. از جمله نتایج کار علمی محقق اردبیلی این بوده که در تطبیق و مقایسه بین اسانید روایات به این اختلافات دست پیدا کرده و سعی نموده است تا آن را تصحیح کند.

در ترجمه «بشر بن مسلم» روایتی را از کافی نقل می کند که سند آن در یک نسخه، «ابن ابی عمیر، عن بشر بن سلمة» و در نسخه دیگر «بشر بن مسلمة» ثبت شده

است. (کافی، ج ۴، ص ۶، ح ۷، باب ان الصدقة تدفع البلاء)
محقق اردبیلی بعد از نقل اختلاف نسخ، نسخه دوم را ترجیح می دهد به دلیل آنکه ابن ابی عمیر در موارد دیگر، از بشر بن مسلمة روایت نموده است.^{۲۹} علاوه بر آنکه به تصریح نجاشی، ابن ابی عمیر راوی کتاب بشر بن مسلمة است. (نجاشی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۱، رقم ۲۸۵)

۸.۶. شناسایی مترادفات راوی

از بحث های بسیار مهم رجالی، توحید مختلفات و یکسان سازی راویان متعدد است؛ زیرا در میان راویان افرادی هستند که با عناوین مختلف در زنجیره سند قرار گرفته و نقل روایت می کنند؛ مثلاً عناوین «محمد بن زیاد، محمد بن زیاد بن عیسی، محمد بن ابی عمیر، ابن ابی عمیر»، همه یک شخص هستند و حکایت از یک نفر می کند. نیز عناوین «ابوحمزه ثمالی، ثابت بن دینار، ثابت بن ابی صفیه» و نمونه های دیگر از نتایج کار محقق اردبیلی این بوده که توانسته است عناوین مختلف را به یک مصداق برگرداند و اتحاد یا عدم اتحاد عناوین مختلف را اثبات کند.

در ترجمه «حریر بن عبدالله السجستانی»، روایاتی را نقل کرده که شخصی با عناوین «سلیم الفراء»، «سلیمان»، «سلیم»، «سلیمان مولی طربال»، «سلیم مولی طربال» و «سلیم الطربال» از «حریر» روایت نموده است.

محقق اردبیلی بعد از یادآوری موارد فوق استظهار می کند که همه این عناوین حکایت از یک شخص دارد و یک راوی می باشد، نه چند راوی.^{۳۰}

۹.۶. شناخت حالات راوی

شناخت حالات و اوصاف راوی از جهت وثاقت، ضبط، مذهب، در پذیرش و عدم پذیرش احادیث او دخالت دارد. یکی از طرق شناسایی موقعیت و جایگاه حدیثی راوی، ملاحظه روایات است که از ملاحظه کسانی که از وی روایت نمودند و نیز ملاحظه محتوای روایتش حاصل می شود.

محقق اردبیلی در روش ابتکاری خویش و ملاحظه شاگردان و مقدار روایت راوی توانسته است حال و وضع تعدادی از راویان را شناسایی کرده و به موقعیت و جایگاه حدیثی آنها پی ببرد.

ایشان در مقدمه کتاب می‌نویسد: «از جمله قراین برای شناخت موقعیت و جایگاه حدیثی راوی، کثرت روایت راویان ثقه از یک شخص می‌باشد که دلالت بر حسن حال آن شخص دارد و یا دلالت دارد بر اینکه وی از مشایخ اجازه بوده است.» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴، مقدمه)

۱۰-۶. رفع اضرار

تعدادی از روایات به صورت اضرار نقل شده است.^{۳۱} محقق اردبیلی از طریق مقایسه اسناد و ردیابی راویان توانسته است به رفع اضرار پردازد و امام معصوم علیه السلام را شناسایی کند.

۷. نتیجه‌گیری

سنت در کنار قرآن، از منابع مهم استنباط احکام دین و تحصیل معارف الهی به حساب آمده و حدیث گزارش‌کننده سنت است که از طریق راویان به دست ما رسیده است. بر این اساس یکی از طرق دستیابی به سنت صحیح، شناخت راویان حدیث می‌باشد و علمی که متکفل بیان حالات و صفات راویان می‌باشد علم رجال است؛ از این رو شاهد تدوین و تألیف ده‌ها اثر علمی در این علم هستیم که در میان آن‌ها کتاب جامع الرواة جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است؛ زیرا مؤلف فرزانه و دانشمند آن توانسته با تلاش و مجاهدت علمی خودش در مدت بیست سال با یک منهج جدید که در میان پیشینیان سابقه نداشته، به شناخت راویان و اسناد روایات راه پیدا کند و با خلق یک اثر ماندگار، بسیاری از مشکلات اسناد را حل کند و خدمت بزرگی به فقه و فقها و احادیث نبوی و ولوی بنماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. ایشان شخصی غیر از مقدس اردبیلی (متوفای سال ۹۹۳ق) صاحب کتاب مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان است. یکی اسمش «احمد» و دیگری اسمش «محمد» است و هر دو از محققان بزرگ شیعه هستند و لکن «احمد» به دلیل دستیابی به عالی‌ترین مرتبه قداست و تقوا بیشتر به‌عنوان مقدس اردبیلی شناخته می‌شود. (فی الورع والتقوی والزهد والفضل بلغ غایة القصوی ولم اسمع بمثله فی المتقدمین والمتأخرین؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۲)
۲. نام کامل کتاب، جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق والاسناد است که به‌اختصار از آن به

جامع الرواة یاد می‌شود. (نک: مدرس تبریزی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۳۵۵-۳۵۶؛ امین، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۴۴۲)

۳. آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۶۴۰؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۶۳؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۲۸۳ و ۲۸۴؛ قمی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۹۱؛ قمی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۶۷)

۴. مدرس تبریزی صاحب کتاب *ریحانة الادب* می‌نویسد: «سال ولادت و وفات صاحب جامع الرواة به دست نیامده است.» (۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۳۵۶) ولی علامه آقابزرگ تهرانی سال ولادت اردبیلی را حدود ۱۰۵۸ هجری قمری دانسته است، چون در سال ۱۰۹۸ علامه مجلسی اجازه نقل روایت به مرحوم اردبیلی می‌دهد و ایشان در آن زمان چهل‌ساله بوده است، با این حساب تاریخ ولادت مرحوم اردبیلی را می‌توان سال ۱۰۵۸، و تاریخ وفات ایشان را ۱۱۰۱ هجری قمری دانست، چون در *ظهر نسخه جامع الرواة* که در سال ۱۱۲۵ هجری قمری توسط آقا رضی قزوینی استنساخ گردیده، نوشته شده است: «آنچه توفی المؤلف فی کربلا فی ذی‌القعدة سنة ۱۱۰۱ (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۶۴۰) البته زنده بودن محقق اردبیلی، تا سال هزارویکصد هجری قمری قطعی است؛ زیرا در این تاریخ، ایشان از نوشتن کتاب جامع الرواة فارغ می‌شود. (نک: اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۵۵۲)

۵. تاریخ بازگشت به اصفهان مشخص نیست.

۶. آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۹۳.

۷. اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۷۳.

۸. «و كان فارس هذا الميدان و كتابه عدم النظير في بابه.»

۹. «لم يصنف مثله.»

۱۰. برای آشنایی با روش رجالی آیت‌الله بروجردی نک: علی‌نژاد، ۱۳۹۱ش، ج ۲، ص ۳۴۲؛ انجمن اصول فقه حوزه، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۱۵ و مقاله «منهج رجالی آیت‌الله بروجردی در شناخت روایان و اسناد روایات». (علی‌نژاد، ۱۳۹۴)

۱۱. اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، مقدمه آیت‌الله بروجردی. «فالامتياز القيم اوجب تقدير ناله انما هو لكتابه جامع الرواة باعتبار ما فيه من جمع رواة الكتب الاربعة و ذكر من روا عنه و من روى عنهم، و تعيين مقدار رواياتهم و رفعه بذالك بعض النقص عن كتب الرجال و اني حينما كنت ببروجرد و كنت اراجع في اثناء ابائتي لمعرفة اسانيد الروايات ما صنفه علمائنا من الفهارس و الرجال و المشتركات تفتنت لما تفتن له هذا الشيخ الجليل و لغيره من النقص في تلك الكتب ولكني سلكت في رفعها مسلکا آخر غير ما سلكه و يمكن ان يوجد فيه شيء ليس في هذا الكتاب فلما نزلت ببلدة قم المحروسة رأيت يوما بعد سنين من نزولي بها نسخة من هذا الكتاب و رأيت ما تحمله هذا الشيخ ره من المشقة في تصنيفه فاستعظمت ذالك و ندبت المتمكين الي طبعه لندرة نسخه و كونها في المكاتب التي لا يتيسر الوصول اليها للمحصلين.»

۱۲. یادآوری می‌شود این ادعا که تحقیقات رجالی معاصر ما را از جامع الرواة بی‌نیاز می‌کند، سخن متقن و استواری نیست؛ زیرا مباحثی در جامع الرواة مطرح شده که در کتب رجالی دیگر به چشم نمی‌خورد.

۱۳. «و بالجمله بسبب نسختی هذه يمكن أن يصير قريب من اثني عشر الف حديث او اكثر من الاخبار التي كانت بحسب المشهور بين علمائنا - رضوان الله عليهم - مجهولة او ضعيفة او مرسلة معلومة الحال و صحيحة لعناية الله تعالى و توجه سيدنا محمد و آله الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۶، مقدمه)

۱۴. با اندک تفاوتی که بین کلینی در کافی با شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه و شیخ طوسی در تهذیب الاحکام و الاستبصار وجود دارد.

۱۵. «كثيرا من الرواة رووا عن المعصوم: ولم يذكر علماء الرجال روايتهم عنه.» (همان، ج ۱، ص ۴، مقدمه)

۱۶. کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۶، ص ۲۹۴ (کتاب الزی والتجمل، باب الکحل)، ح ۹ ... عن الحسين بن الحسن بن العاصم عن ابيه عن ابي عبدالله عليه السلام

۱۷. همان، ج ۶، ص ۴۸۸ (باب التمشط)، ح ۳ ... «عن الحسين بن الحسن بن العاصم عن ابيه قال دخلت على ابي ابراهيم عليه السلام»

۱۸. «والبعض الذي عدّوه من رجال الصادق عليه السلام رأى روايته عن الكاظم عليه السلام» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴، مقدمه)

۱۹. «وقال يونس: لم يسمع من ابي عبدالله عليه السلام إلا حديثين. وقيل: روى عن ابي الحسن موسى عليه السلام ولم يثبت ذاك.»

۲۰. «أقول و روايته عنهم عليهم السلام على ما فى [يب] يمكن ان يكون قرينة انه روى عن ابي الحسن موسى عليه السلام أيضا والله أعلم وعلى ما رأينا رواية حريز عن ابي عبدالله عليه السلام كثيرا يحصل المنافاة مع نفل [جش] و [صه] عن يونس بن عبدالرحمن انه قال إنه لم يسمع عنه عليه السلام الا حديثين» یادآوری می‌شود رمز (یب، جش، صه) به ترتیب علامت اختصاری کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی، رجال نجاشی و خلاصة الاقوال علامه حلی است.

۲۱. «أقول: و روايته عن ابي عبدالله عليه السلام كثيرا على ما رأينا و نقلنا تدل على نفى قول من قال أنه لم يرو اولم يسمع منه عليه السلام الاحديث من ادرك المشعر فقد ادرك الحج فتأمل.» (همان، ج ۱، ص ۵۱۰)

۲۲. «الظاهر أن اسماعيل بن الصباح فى (يب) و(يه) و اسماعيل بن ابى الصباح فى (فى) سهو من النسخ والصواب اسمعيل عن ابى الصباح بقرينة التصريح بالكنانى فى (بص) و اتحاد الأخبار.» (همان، ج ۱، ص ۳۸، ترجمة ابراهيم بن نعيم العبدى ابوالصباح)

یادآوری می‌شود رمز یب، یه، بص به ترتیب علامت اختصاری کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی، من

- لا یحضره الفقیه شیخ صدوق و الاستبصار شیخ طوسی است
۲۳. برای اطلاع بیشتر نک: علی نژاد، ۱۳۹۱ش، ج ۱ (بحث تمییز مشترکات) و مقاله «راویان مشترک و مشترکات کافی» چاپ شده در مجموعه مقالات کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی از نویسنده.
۲۴. «و لیعلم ان فی الاسماء المشتركة مثلاً محمد بن عبدالله و محمد بن علی سعی سعیا بلیغا بقدر الوسع والطاقة حتی وجد قرینة الترجیح و کتب راوی کل واحد منهم تحته».
۲۵. علامه شوشتری کلیت این قرینه را مورد نقد قرار داده و موارد نقض آن را یادآوری کرده (نک: شوشتری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، مقدمه) و اشکال ایشان وارد است.
۲۶. «الظاهر أن لفظ ابراهیم بن هناسقط من القلم بقرینة اتحاد الخبر» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۴۹)
۲۷. «الظاهر أن لفظ «محمد بن» بعد «علی بن احمد بن» سقط من القلم بقرینة اتحاد الخبر و کثرة روایة احمد بن محمد بن ابی نصر عن جمیل بن دراج والله العالم» (همان، ج ۱، ص ۱۶۵)
۲۸. «الظاهر أن ما فیہ اشتباه والصواب ما فی (فی) بقرینة اتحاد الخبر والله اعلم» (همان، ج ۱، ص ۹۸) رمز «فی» علامت اختصاری کتاب کافی است
۲۹. «الظاهر أن الصواب النسخة الاخيرة بقرینة روایة ابن ابی عمیر عنه و الله اعلم» (همان، ج ۱، ص ۱۲۲)
۳۰. قول: الذی یظهر لنا اتحاد «سلیم و سلیمان مولی طربال» بقرینة اتحاد الراوی والمروی عنه، و الخبر، و کونهما مولی طربال و یؤید اتحادهما روایة علی بن اسباط عنهما و أنه کان الاسم فی الاصل سلیم او سلیمان فاشتبه احدهما بالآخر لبعده کون اسمین لشخص واحد والله اعلم» (همان، ج ۱، ص ۱۸۴، ترجمه حریر بن عبدالله) و در موضع دیگر نوشته است: اقول و الذی یظهر لنا، والله اعلم، اتحاد سلیمان و سلیم الفراء ایضا بقرینة اتحاد الراوی والمروی عنه والخبر و یؤید اتحادهما روایة ابن ابی عمیر عن سلیمان الفراء ایضا علی مافی ترجمته و ان الاسم کان فی الاصل سلیمان او سلیم فاشتبه لما بینا أنفا و اذا ثبت سلیم و سلیمان مولی طربال و سلیمان و سلیم الفراء بالقرائن المذكورة فالظاهر اتحاد الكل ایضا بقرینة کون سلیمان بن عمران الفراء مولی طربال و سلیم الفراء ایضا و یؤید اتحاد الجميع روایة القاسم بن محمد عن سلیم و سلیمان مولی طربال و سلیم الفراء ایضا عن حریر و الله اعلم» (همانجا)
۳۱. روایت مضمیر به روایتی گفته می شود که در آن به جای نام مبارک معصوم علیه السلام از ضمیر استفاده شده است و از آن به «حدیث مضمیر» تعبیر می شود.

منابع

۱. آقازرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۳، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
۲. _____، طبقات اعلام الشیعة، ج ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان، بی تا.

۳. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
۴. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۵. انجمن اصول فقه حوزه، شکوه مرجعیت، چ ۱، قم: سبط النبى، ۱۳۹۴ش.
۶. جمعی از نویسندگان (زیر نظر سید محمد کاظم موسوی بجنوردی)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ش، مدخل اردبیلی، محمد بن علی.
۷. _____ (زیر نظر احمد صدر حاح سید جوادی، بهاء الدین خرمشاهی و کامران فانی) دائرةالمعارف تشیع، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۳ش، مدخل اردبیلی، محمد بن علی.
۸. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث، چ ۳، قم: مدینه العلم، ۱۴۰۳ق.
۹. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، چ ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۰. شهید ثانی، زین الدین، الرعاية فی علم الدراية، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۸ق.
۱۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، چ ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، چ ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۳. _____، تهذیب الاحکام، چ ۱، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۶ق.
۱۴. _____، رجال طوسی، چ ۱، نجف اشرف: المکتبه و المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ق.
۱۵. _____، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۶. _____، الفهرست، نجف اشرف: مهد نشریات المکتبه المرآتیه و مطبعتها، بی تا.
۱۷. علی نژاد، ابوطالب، دانش رجال، چ ۱، قم: مؤسسه نشر، ۱۳۹۱ش.
۱۸. _____، «منهج رجالی آیت الله بروجردی»، شکوه مرجعیت، چ ۱، قم: سبط النبى، ۱۳۹۴ش.
۱۹. قمی، شیخ عباس، الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، چ ۱، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۲۰. _____، هدیة الاحباب، چ ۱، قم: مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۲۰ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۳. مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب، تهران: انتشارات خیام، ۱۴۰۱ق.
۲۴. مصاحبه آیت الله استادی و دکتر سروش با علامه شوشتری، کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۱، ۱۳۶۴، ص ۸۷.
۲۵. نجاشی، احمد بن علی بن عباس، رجال نجاشی، چ ۶، بی جا: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.

۳۰۰ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال دوازدهم، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

۲۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۷ق.